

مرغ شهد خوار

ساندرو ورونزی

ترجمه سید مهدی موسوی

www.ketab.ir





کتاب خورشید

مرغ شهذخوار

ساندرو ورونزی

ترجمه سید مهدی موسوی

با اجازه رسمی از صاحب اثر برای نشر به زبان فارسی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Il Colibri

Sandro Veronesi

La nave di Teseo, 2019

ویراستار/منصوره موسوی دیزکوهی

آماده‌سازی/کتاب خورشید، چاپ و صحافی/شمس

دارای مجوز دائمی نشر از وزارت ارشاد به شماره ۲۲۳۱۸۱۰، تاریخ صدور ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

چاپ اول/پاییز ۱۴۰۰، شمارگان/۵۰۰ نسخه

«این کتاب با مشارکت مالی وزارت امور خارجه و همکاری‌های بین‌المللی ایتالیا ترجمه شده است.»

کلیه حقوق این اثر معطوف به انتشارات کتاب خورشید است و هرگونه استفاده بازرگانی از تمامی یا بخشی از این اثر اعم از اقتباس، کپی، عکس، ضبط کامپیوتری، تکثیر و یا هر صورت دیگری ممنوع است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۱-۳۸-۱

سرشناسه: ورونزی، ساندرو، ۱۹۵۹ - Veronesi, Sandro

عنوان و پدیدآور: مرغ شهذخوار/ساندرو ورونزی

ترجمه سید مهدی موسوی

مشخصات نشر: تهران: کتاب خورشید، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۷۶ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۳۱-۳۸-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: عنوان اصلی: *Il Colibri*

شناسه افزوده: موسوی، سید مهدی، ۱۳۶۳ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ ۴۸۸۵

رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۹۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۶۷۷۲۵

کتاب خورشید: تهران، ۱۴۳۳۶۳۱۷۹، خیابان اسد آبادی،

خیابان سیزدهم، شماره ۵۲، واحد ۱

تلفن: ۸۸۷۲۲۲۲۴۴ دورنگار: ۸۸۷۲۱۰۹۹

فروش اینترنتی: www.ketab-e-khorshid.com

فروش نسخه الکترونیک:

www.taaghche.com www.fidibo.com

ketabekhorshid@yahoo.com info@ketab-e-khorshid.com

Instagram: Ketabekhorshid

فهرست

۹	 درباره نویسنده
۱۱	 سخن مترجم
۱۵	 به درستی می توان گفت
۱۹	 کارت پستال (۱۹۹۸)
۲۱	 بله یا خیر (۱۹۹۹)
۳۱	 متأسفانه (۱۹۸۱)
۳۵	 چشم گردباد (۷۹-۱۹۷۰)
۴۵	 این موضوع (۱۹۹۹)
۴۷	 کودکی شیرین (۷۰-۱۹۶۰)
۵۳	 فهرست موجودی (۲۰۰۸)
۶۱	 هواپیمایها (۲۰۰۰)
۶۹	 جمله سحرانگیز (۱۹۸۳)
۷۳	 آخرین شب بیگانه‌ی (۱۹۷۹)
۷۹	 اورانیا (۲۰۰۸)
۸۹	 گوسپودینهههههه
۹۷	 دومین نامه درباره مرغ شهدخوار (۲۰۰۵)
۹۹	 یک نخ، یک جادوگر، سه شکاف (۹۵-۱۹۹۲)
۱۱۳	 میارزند (۲۰۰۸)
۱۱۹	 جانباختگان (۱۹۷۹)
۱۲۷	 یک آرزوی اشتباه (۲۰۰۹)
۱۲۹	 چطور پیش رفت؟ (۲۰۱۰)
۱۳۹	 تو نبودی (۲۰۰۵)
۱۴۳	 فقط اینکه (۹۹-۱۹۸۸)
۱۵۹	 کمی زودتر توقف کن (۲۰۰۱)

۱۶۳	درمورد رشد و فرم (۷۴-۱۹۷۳).....
۱۷۱	اولین نامه درباره مرغ شهدخوار (۲۰۰۵).....
۱۷۵	未来人 (۲۰۱۰).....
۱۹۳	به تمامی سرشار از زندگی (۱۹۹۸).....
۱۹۷	در مولینلی (۱۹۷۴).....
۲۰۳	Weltschmerz & Co (۲۰۰۹).....
۲۰۹	یکشنبه غم انگیز (۱۹۸۱).....
۲۲۵	آنجاست، پیاده می شود (۲۰۱۲).....
۲۲۷	Shakul & Co (۲۰۱۲).....
۲۳۵	ورانداز شده (۲۰۱۲).....
۲۴۱	مسیر اندوه (۲۰۰۳-۲۰۰۵).....
۲۶۱	بخشیدن و نیکی گرفتن (۲۰۱۲).....
۲۶۳	ماسک (۲۰۱۲).....
۲۷۷	برابانته (۲۰۱۵).....
۲۸۳	سر زبان ها افتادن (۲۰۱۳).....
۲۹۵	نگاه ها، جان دارند (۲۰۱۳).....
۳۰۱	گرگ ها گوزن های بدبخت را نمی کشند (۲۰۱۶).....
۳۱۳	سومین نامه درباره مرغ شهدخوار (۲۰۱۸).....
۳۱۷	اوضاع از چه قراره؟ (۲۰۱۶).....
۳۲۹	آخرین (۲۰۱۸).....
۳۳۳	آدم جدید (۲۰۱۶-۲۰۰۹).....
۳۵۳	در خدمت (۲۰۳۰).....
۳۵۵	تهاجم بریرها (۲۰۳۰).....
۳۷۵	این آسمان کهنه (۱۹۹۷).....

تقدیم به مادر عزیزم،
که هر بار تقدیم اثر به او، بهانه و
انگیزه‌ای است برای شروع یک
ماجرای جوی جدید.

سخن مترجم

برای هر مترجم، قطعاً انتخاب کتاب مناسب یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موارد است. در طول ماه‌های همه‌گیری بیماری کرونا، زمان بیشتری داشتم برای فعالیت‌های فرهنگی گسترده‌تر، از جمله ترجمه کتاب. پس از ترجمه «زندگی پردروغ آدم‌بزرگ‌ها»، آخرین کتاب از النا فرانته، آثار ادبی ایتالیا در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ را بررسی و مطالعه می‌کردم تا اثری درخور برای ترجمه بیابم که در این میان، با برنده جایزه استرگا و کتاب سال ۲۰۲۰ در ایتالیا مواجه شدم؛ یعنی مرغ شهدخوار.

عنوان کتاب برایم بسیار جالب بود و بلافاصله توجهم را جلب کرد، بنابراین نظریات و انتقادات مرتبط با این کتاب را خواندم و خیلی زود مطمئن شدم که دقیقاً همان کتابی است که دنبالش می‌گشتم. بنا به نظر منتقدان ادبی ایتالیا، همه عواملی که یک رمان را ارزشمند و جذاب می‌کند در این اثر وجود دارد: هیجان، ذکاوت، هوش، عشق، مرگ، جدیت بسیار، طنز اندک، فلسفه، روابط شخصی ضریف و زندگی درونی پیچیده انسان‌ها.

تحقیق بیشتری درباره نویسنده و سایر آثار وی به زبان فارسی انجام دادم و متوجه شدم که متأسفانه هیچ‌یک از آثار ساندرو ورونزی به زبان فارسی ترجمه نشده است، از این رو فرصت را مغتنم شمرده، بلافاصله ترجمه این اثر را آغاز کردم.

این ترجمه یک تجربه بسیار جالب اما نه‌چندان ساده بود، زیرا شیوه نوشتاری

نویسنده و نحوه پرداختن او به درون‌مایه و شخصیت‌های رمان بسیار متفاوت است. در این اثر، نویسنده به تاریخ و هنر، توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد و تلاش می‌کند در مورد برخی مسائل فرهنگی و بومی، شناختی همگانی و حتی بین‌المللی به وجود آورد و با توجه به علاقه خود در زمینه یادگیری زبان و فرهنگ‌های مختلف، به‌ویژه کشورهای شرقی، مطالب جالب و آموزنده‌ای را به خواننده ارائه دهد.

ورونزی ماجرای زندگی شخصیت اول رمان خود را با حرکت به سمت عقب و جلو در طول زمان به پیش می‌برد. عناوین فصل‌ها به ما می‌گویند که ما در دهه ۱۹۷۰ میلادی هستیم، یا در ۲۰۱۸، در ۱۹۹۹-۱۹۸۸ یا در پایان، در سال ۲۰۳۰. به این ترتیب، به خودی خود شکل روایی داستان تغییر می‌کند. گاهی شما مشغول خواندن روایت هستید، گاهی اوقات نظاره‌گر گفت‌وگوهای ناب میان افراد، و گاهی هم سرگرم خواندن نامه‌ها، اشعار، ایمیل‌ها یا محتویات کارت‌پستال‌ها می‌شوید. نکته اساسی اینجاست که در این میان، باید همه موارد را در ذهن‌تان تازه و زنده نگه دارید.

ترجمه این کتاب حدود سه ماه به طول انجامید. در طول ترجمه، مجبور می‌شدم موارد متعددی را در اینترنت جست‌وجو و مطالعه کنم و هر بار از انتخاب خود خوشحال‌تر می‌شدم، زیرا این ترجمه نه تنها همراه با یادگیری کلمات، عبارات و اصطلاحات جدیدی برایم بود، بلکه وجه دیگری از تاریخ و فرهنگ ایتالیا را نیز برایم آشکار می‌ساخت. آنچه اثر را برجسته می‌کند این است که مراقبه هوشمندانه‌ای در مورد زندگی، خانواده، قلب انسان و «دیکتاتوری درد» به نمایش می‌گذارد؛ موضوعی که در طول زندگی همیشه با غم و اندوه همراه می‌شود.

مارکو کارا شخصیت اصلی آخرین رمان ساندرو ورونزی، شبیه به یک مرغ شهдохوار است. این پرنده زیبا یکی از کوچک‌ترین پرندگان طبیعت با اندازه ۳ تا ۵ سانتیمتر است که ویژگی‌های جالبی دارد و اتفاقاً جزو پرندگان نادر و بومی در نواحی جنوب شرق ایران است. این مرغ کوچک و زیبا می‌تواند در پی بال

زدنِ سریع در حدود ۷۰ بار در ثانیه، خود را در فضا ثابت نگه دارد؛ اما ویژگی منحصر به فرد این پرنده، توانایی او در پرواز به سمت عقب است.

مارکو کارِرا شخصیت اول این داستان، یک چشم‌پزشک و از بسیاری جهات شبیه به مرغِ شهدخوار است. نخستین بار، مادرش در کودکی به دلیل کوچکی جثه و سرعت عمل بالایی که دارد، این لقب را به او می‌دهد. او در طول زندگی، بارها طعم تلخ مصیبت را می‌چشد و با وجودِ زندگی کردن در زمان حال و دست و پنجه نرم کردن با حوادث، همواره به روابط و خاطرات گذشته زندگی خود می‌اندیشد.

زندگی او سرشار از تعلیق‌های پی در پی، حوادث مهلک، کمبودهای آزاردهنده، همچنین عشق‌های مطلق است. او هرگز سقوط نمی‌کند، حرکات بی‌وقفه او در جهتِ استوار ماندن و داشتنِ ثباتِ قدم است و در صورتی که امکان نداشته باشد، نقطهٔ درست سقوط را پیدا می‌کند تا به زنده ماندن با کیفیتِ کمتر رضایت ندهد.

در اطراف او، ورونزی شخصیت‌های فوآموش‌نشدنی دیگری ساخته است که در یک معماری داستانی کامل زندگی می‌کنند، در یک جهان کامل و در یک زمان سیال که از اوایل دههٔ هفتاد تا یک آیندهٔ نزدیک و تاریک گسترش می‌یابد. قهرمان این کتاب می‌تواند در دنیا و در زمان متوقف بماند، همچنین قادر است دنیا و زمان اطرافش را متوقف کند. بعضی اوقات حتی موفق می‌شود سوار بر زمان، روزگار از دست رفته را به دست آورد، درست مثل مرغِ شهدخوار که به عقب پرواز می‌کند.

ناگهان سبک و شیوهٔ زندگی او با ورود دختر بچه‌ای به نام میرایجین تغییر می‌یابد. به یمن حضور این کودک، مارکو کارِرا مجبور می‌شود حال و گذشته را رها کرده، خود را وقف آیندهٔ نزدیک کند؛ چون به لطف تلاش‌های مارکو قرار است که میرایجین به عنوان «انسان آینده» بدرخشد.